

Original Article

Electronic Service and E-Justice in Iranian Law

Hamid Abhari^{1*}, Sam Mohammadi², Elham Adeli Far³

1. Professor, Department of Private Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding author) Email: hamid.abhari@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Private Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

3. PhD Student in Private Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

Received: 28 Jan 2020 Accepted: 29 Jun 2020

Abstract:

Background and Aim: With the Introduction of Technology in the Legal system of Different Countries, Including Iran, Various Advances Have Been Made, Including in the Fields of Litigation and Electronic Service. In the Meantime, Electronic Service as one of the Components of a Fair Trial Should be Considered. The Need to Use Electronic Devices in the Process of Litigation and Service is an Undeniable Issue. This Necessity is Felt More in the Current Situation of the Society and the Judiciary has Used These Conditions as a Suitable Opportunity to Advance its Goals in the Field of Litigation and Electronic Service.

Materials and Methods: In This Study, Which has Been Collected by Analytical-Descriptive Method and Using Library Tools, First, the Process of Electronic Service in the Iranian and Common Law Legal Systems Has Been Examined. In the Next Step, According to the Tools Available to the Courts of Both Legal Systems in the E-Litigation Process, the Effects and Gaps of These Systems Have Been Considered and Discussed.

Findings: In the Field of Electronic Service, in Order to Complete This Great Change in the Iranian Judicial System, This Process Should be Designed for Iranians Abroad and People With Unknown Location and Without an Account. On the Other Hand, the E-Litigation System Does not Have the Ability to Completely and Fundamentally Bypass the Traditional System; Rather, it Must Move Alongside This System and Develop and Improve its Efficiency.

Ethical Considerations In Order to Organize This Research, While Observing the Authenticity of the Texts, Honesty and Fidelity Have Been Observed.

Conclusion: Examining the Common Law System in the United States and the United Kingdom, We Find that the Principle of Optionality Applies to Electronic Service and Courts Use Electronic Service in the Case of Consent, as Well as in Cases Where They are Frustrated by Traditional Means; This Indicates that Electronic Service has Come to the Aid of the Traditional System With the Help of the Judicial System, and that the Courts Should not Approach the Elimination of Traditional Methods.

Keywords: E-Justice; Electronic Service; Common Law; Iranian Law

Please cite this article as: Abhari H, Mohammadi S, Adeli Far E. Electronic Service and E-Justice in Iranian Law. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 179-193.

سیر تاریخی ابلاغ و دادرسی الکترونیکی در ایران

حمید ابهری^{۱*}، سام محمدی^۲، الهام عادل‌فر^۳

Email: hamid.abhari@gmail.com

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹

چکیده

زمینه و هدف: با ورود فناوری در نظام حقوقی کشورهای مختلف از جمله ایران، پیشرفت‌های مختلفی از جمله در حوزه‌های دادرسی و ابلاغ الکترونیک بوجود آمده است. در این میان ابلاغ الکترونیک به عنوان یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه باید مورد توجه قرار گیرد. ضرورت استفاده از ابزارهای الکترونیکی در فرآیند دادرسی و ابلاغ، از مسائل غیر قابل انکار می‌باشد. این ضرورت با توجه به شرایط فعلی جامعه بیشتر احساس می‌شود و دستگاه قضایی از این شرایط به عنوان یک فرصت مناسب برای پیشبرد اهداف خود در زمینه دادرسی و ابلاغ الکترونیک استفاده نموده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه که با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای به گردآوری مطالب پرداخته شده است، ابتدا فرآیند ابلاغ الکترونیکی در نظام حقوقی ایران و کامن‌لا مورد بررسی قرار گرفته است. در گام بعد با توجه به ابزارهایی که محاکم هر دو نظام حقوقی در فرآیند دادرسی الکترونیکی در اختیار دارند، آثار و خلاءهای نظام‌های مزبور مورد توجه و بحث قرار گرفته است. **یافته‌ها:** در زمینه ابلاغ الکترونیک باید برای تکمیل این تحول بزرگ در سیستم قضایی ایران، این فرآیند برای ایرانیان خارج کشور و افراد مجهول‌المکان و فاقد حساب کاربری نیز طراحی شود. از طرفی نیز نظام دادرسی الکترونیکی توانایی کنار زدن سیستم سنتی به صورت کامل و اساسی را ندارد؛ بلکه می‌بایست در کنار این نظام حرکت کند و کارایی آن را توسعه و ارتقاء دهد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: با بررسی سیستم کامن‌لا در آمریکا و در انگلستان متوجه خواهیم شد که اصل اختیاری بودن در مسئله ابلاغ الکترونیک حاکم است و دادگاهها از ابلاغ الکترونیک در صورت رضایت و همچنین در مواردی که از راههای سنتی ناامید می‌شوند، استفاده می‌کنند؛ که این مسئله نشان‌دهنده این است که ابلاغ الکترونیک به موزات ابلاغ سنتی به کمک سیستم قضایی آمده است و نباید رویکرد دادگاهها به سوی حذف روش‌های سنتی باشد.

واژگان کلیدی: دادرسی الکترونیک؛ ابلاغ الکترونیک؛ کامن‌لا و حقوق ایران

مقدمه

فناوری اطلاعات و ارتباطات به مدد ویژگی‌های مثبت خود در جنبه‌های مختلف زندگی بشر آثار فراوانی ایجاد کرده است. امر دادرسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. الکترونیکی شدن دادرسی به خصوص در دو حوزه مهم در نظام قضایی کشورهای مختلف نمود دارد: یکی ابلاغ الکترونیک و دیگری دادرسی الکترونیک. پرسش اساسی که باید در این مقاله به آن پاسخ داد این است که آیا فناوری باید به عنوان یک تسهیل‌کننده یا به عنوان یک راهکار در نظام‌های قضایی مورد توجه قرار گیرد. آیا می‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه آن را پذیرفت و به طور کلی نقش تسهیل‌کننده آن به طور خاص در نظام حقوقی ایران در چند دهه اخیر چگونه بوده است؟ این مقاله در تلاش است که پدیده ابلاغ الکترونیک و دادرسی الکترونیک را در دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا بررسی نماید و هدف کلی، نزدیک شدن به رویکرد صحیحی در قبال این فناوری‌هاست. یکی از نویسندگان به درستی بیان نموده است، آیا دادرسی کنونی که بر پایه مبادلات کاغذی و مراجعه حضوری طرفین استوار است باید به شکل کامل و الزام‌آوری جای خود را به دادرسی الکترونیک بدهد؛ به گونه‌ای که تمام اعمال مرتبط با دادرسی، مانند رسیدگی به دعوا و صدور حکم از راه دور و با استفاده از داده پیام و روش‌های الکترونیکی یا وسایل ارتباطی دیگر نظیر ویدیو کنفرانس صورت‌گیرد یا استفاده از فناوری‌های نوین باید اختیاری یا معطوف به اموری باشد که به تسریع دادرسی و احقاق حق و صرفه‌جویی در زمان و انرژی و هزینه منجر شود (۱)، البته واضح است رسیدن به اهداف فوق و الکترونیکی شدن کامل شیوه دادرسی نیازمند زیر ساخت‌های فنی و حقوقی است؛ لذا فقدان و عدم ایجاد زیر ساخت‌های لازم، دادرسی الکترونیکی را با چالش‌هایی مواجه می‌کند، البته مقاله حاضر در تلاش است با مقایسه نظام حقوقی ابلاغ الکترونیک و دادرسی الکترونیک در رویه قضایی، به بررسی شکل‌گیری این دو مقوله و در نهایت جایگاه اصلی فناوری در سیستم قضایی و میزان تمایل دادگاهها در این زمینه بپردازد.

برای این منظور ابتدا به بررسی ابلاغ الکترونیک و دادرسی الکترونیک در نظام حقوقی ایران و بعد به مقایسه آن در نظام حقوقی کامن‌لا خواهیم پرداخت.

۱. ابلاغ الکترونیک در ایران و کامن‌لا

در این مبحث، نظام ابلاغ الکترونیک که یکی از مهم‌ترین ابزارهای دادرسی الکترونیک می‌باشد در نظام قضایی ایران و کامن‌لا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. ابلاغ الکترونیک در ایران: در نظام حقوقی ایران،

در راستای اجرای بند ۶ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله ابلاغی سال ۸۸ و بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و تبصره بند ج ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۹۰ و با توجه به ماده ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که توسط قوه قضاییه در سال ۹۵ تهیه گردید، اشخاص حقیقی و حقوقی برای طرح و پیگیری دعاوی و شکایات و سایر امور قضایی باید به دفاتر خدمات قضایی یا درگاه خدمات قضایی مراجعه کنند. در نتیجه ثبت دادخواست و ابلاغ به صورت الکترونیکی امکان‌پذیر است. روند الکترونیکی کردن خدمات قضایی، از دهه هشتاد شمسی شروع شد که نتیجه آن، راه‌اندازی سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی بوده است و در حال حاضر خدمات قضایی از قبیل ارائه دادخواست، پیگیری پرونده‌ها و ابلاغ به صورت الکترونیکی انجام می‌گیرد.

در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی در راستای ابلاغ الکترونیکی در حقوق ایران صورت گرفته است. از جمله قانون آیین دادرسی کیفری جدید در مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ به این موضوع پرداخته است. متعاقب با آن، آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۴ به تصویب رسید که گامی بزرگ در زمینه ابلاغ الکترونیکی محسوب می‌شود. چنانچه به تعبیر دیگری؛ لزوم بسترسازی فرهنگی برای عرصه‌هایی که به طور عمده تحت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات هستند، بسیار واضح است. برای نمونه می‌توان به الزامی شدن ابلاغ الکترونیکی در ایران اشاره کرد (۲). در حال حاضر، ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی، نسخه کاغذی برای ابلاغ به مخاطب ارسال نمی‌شود، بلکه اوراق الکترونیکی از طریق

سامانه مربوط به حساب کاربری مخاطب ارسال می‌شود و معمولاً وصول اوراق از طریق ارسال پیامک به گوشی تلفن همراه یا ایمیل مخاطب اطلاع‌رسانی می‌شود و مخاطب با مراجعه به حساب کاربری خود و باز کردن پاکت مجازی حاوی ورقه قضایی و مشاهده محتوای آن از مفاد ورقه مطلع می‌شود. یکی از مسائل مهم بعد از تصویب آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی چگونگی ابلاغ قانونی و واقعی با توجه به این شیوه جدید ابلاغ بود؛ که آیا ابلاغ واقعی و قانونی در مورد شیوه الکترونیکی هم مصداق پیدا می‌کند؟ که بر پایه یک دیدگاه، هر یک از ابلاغ واقعی یا قانونی می‌تواند به شیوه کاغذی یا الکترونیکی انجام شود (۳).

به طور کلی در بحث ابلاغ اوراق قضایی دو نوع ابلاغ وجود دارد: ابلاغ واقعی و ابلاغ قانونی. منظور از ابلاغ واقعی اختاریه، آن است که اختاریه مستقیماً به شخص مخاطب، ابلاغ شود به عبارت دیگر ابلاغ اوراق قضایی به شخص مخاطب را ابلاغ واقعی گویند؛ اعم از اینکه مخاطب شخص حقیقی باشد یا حقوقی (۴). برخی دیگر در تعریف ابلاغ واقعی گفته‌اند ابلاغ واقعی عبارت است از رساندن اوراق قضایی، دادخواست و غیره به شخص خواهان، خوانده، محکوم‌له یا محکوم‌علیه یا شخصی که هدف از ابلاغ استحضار و مطلع شدن خود اوست (۵). ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه، اشعار می‌دارد که زمان و جزئیات رسیدن اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب، در سامانه ابلاغ قید می‌گردد و همان آثار ابلاغ واقعی را دارد. بدین ترتیب با وصول ورقه قضایی به حساب کاربری مخاطب ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و با مشاهده آن توسط مخاطب ابلاغ واقعی صورت می‌گیرد. حتی اگر از محتوی ابلاغ به دلیل بی‌سواد بودن مطلع نشود؛ که به نظر می‌رسد این قسمت ماده نیاز به اصلاح دارد و نایستی صرف ورود به سیستم و بدون اطلاع از محتوا را ابلاغ واقعی فرض نمود، البته به نظر می‌رسد قانون‌گذار برای اشخاصی که وارد سیستم می‌شوند اصل را بر اطلاع گذاشته است؛ که به نظر منطقی می‌باشد. لذا به نظر برای تکمیل این ماده، قانون‌گذار باید راهی را برای اشخاصی که دارای سواد رایانه‌ای نیستند باز می‌گذاشت که با اثبات عدم اطلاع از محتوا، حقوق آنان ضایع نگردد.

در خصوص ابلاغ واقعی و قانونی نظریه مشورتی مورخ ۲۹ مرداد ۱۳۹۶ کمیسیون آیین دادرسی مدنی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، در نظریه ۳۳۳۴ بدین‌گونه بیان نموده است: برابر با بند ز ماده یک آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۵/۲۴ ریاست محترم قوه قضاییه ابلاغ الکترونیکی عبارت است از: ارسال الکترونیکی اوراق قضایی و آگهی‌ها از طریق سامانه ابلاغ و برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه یاد شده، رسیدن الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب در سامانه ابلاغ، ابلاغ محسوب می‌شود و برابر با ماده ۱۴ مرکز موظف است چنانچه از مخاطب شماره تلفن همراه یا آدرس پست الکترونیکی در دسترس باشد، ارسال اوراق قضایی به سامانه ابلاغ را از این طریق اطلاع‌رسانی نماید. بنابراین، براساس مقررات مزبور اولاً آنچه ملاک ابلاغ الکترونیکی محسوب می‌شود، وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب است و ارسال پیامک به تلفن همراه وی صرفاً جهت اطلاع‌رسانی است و ملاک ابلاغ نمی‌باشد. ثانیاً تاریخ وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب تاریخ ابلاغ محسوب می‌شود. در نتیجه مبدأ اعتراض و تجدیدنظرخواهی همین تاریخ است.

بدیهی است که ابلاغ کاغذی اوراق قضایی با وجود هزینه‌هایی که به حاکمیت وارد می‌شد، کارایی چندانی نداشت و موجبات دو نوع سوءاستفاده را ایجاد می‌کرد: الف) شاکی یا خواهان به هر دلیل تمایل دارد که ابلاغ دادگاه به دست متشاکی یا خوانده نرسد تا او در دادگاه حاضر نشود. از همین رو آدرس صحیح را ارائه نمی‌داد. لذا طرح ابلاغ الکترونیک برای حل معضل ابلاغ‌هایی که به دست مخاطبین نمی‌رسید، راهگشا بود، زیرا بعد از ثبت‌نام در سامانه طرح ابلاغ الکترونیکی و تخصیص حساب کاربری برای آن‌ها، درصد بالایی از این مسائل حل شد. سوءاستفاده دیگر بدین‌صورت می‌باشد که شخص متهم که می‌داند به احتمال قوی از او شکایت می‌شود، به هر طریق ممکن مایل است از دریافت ابلاغیه دادگاه سر باززند؛ تا فرصت سوءاستفاده از فرآیند رأی غیابی و به تبع آن وخواهی را داشته باشد. که متأسفانه ماده ۱۳ آیین‌نامه، این زمینه را مفتوح گذاشته است و هنوز هم متهم

می‌تواند بدون مراجعه به سامانه از آثار ابلاغ قانونی برخوردار شود. همچنین براساس تبصره یک ماده ۱۳ شخص متهم می‌تواند به هر بهانه‌ای از مراجعه به سایت و رویت ابلاغ الکترونیکی سر باز زند و با استناد به عدم رویت ابلاغیه، حق تقاضای واخواهی را برای خود محفوظ بداند. همچنین با استفاده از این حق در برخی پرونده‌ها از اجرای حکم جلوگیری نماید یا در برخی دیگر موجب طولانی شدن فرآیند رسیدگی گردد، هرچند به نظر می‌رسد، راهکار خاصی برای این امر وجود نخواهد داشت، مگر اینکه سامانه‌های الکترونیکی چنان مجهز باشند که حق عدول از آن به راحتی قابل پذیرش نباشد، ولی در هر حال نباید موجبات سوءاستفاده از فناوری، اصل کلیت آن نظام دادرسی یا روند رسیدگی را زیر سؤال ببرد (۶).

بدون تردید ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی نسبت به شیوه سنتی ابلاغ توسط مأمور ابلاغ امتیازهای مهمی دارد. سرعت و امنیت در ابلاغ اوراق قضایی، جلوگیری از بسیاری از عوامل اطاله دادرسی ناشی از عدم ابلاغ اوراق قضایی، عدم اعاده اوراق ابلاغ شده یا عدم ابلاغ صحیح این اوراق توسط مأمور ابلاغ، به سبب فقدان اطلاعات حقوقی در برخی مأموران ابلاغ، کاهش شایان توجه هزینه‌های ابلاغ اوراق قضایی ناشی از حذف ارسال نسخ کاغذی و بی‌نیازی مأمور ابلاغ برای ابلاغ اوراق دعوا را از جمله مزایای آن باید برشمرد (۷).

با وجود مزایای بی‌شماری که برای ابلاغ الکترونیک بیان شد، این فرآیند بدون شک خالی از اشکال نمی‌باشد، اما می‌توان با رفع این اشکالات زمینه را برای ارتقا این فرآیند ارزشمند فراهم نمود. در ادامه به ذکر نمونه‌ای از این اشکالات می‌پردازیم. به عنوان مثال تبصره ۲ ماده ۱۳ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، اشعار می‌دارد: در صورتی که مخاطب ابلاغ، از مراجعه به سامانه خودداری نماید، به این معناست که از قبول و دریافت اوراق قضایی خودداری کرده و مشمول حکم ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی است و استنکاف یاد شده در این تبصره، ناظر به استنکاف بستگان یا خادم مخاطب از دریافت اوراق قضایی است نه خود مخاطب؛ از این‌رو ذکر ماده ۷۰ در تبصره ماده ۱۳ بلاوجه است و امتناع

خود مخاطب، مشمول ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی است که اثر متفاوتی دارد، زیرا تفاوت این دو استنکاف در واقعی و قانونی بودن ابلاغ می‌باشد. هم عقیده با برخی از حقوقدانان، تاریخ امتناع مخاطب از گرفتن اوراق در ماده ۶۸ را باید تاریخ ابلاغ واقعی اوراق محسوب کرد (۷) و (۴) درحالی‌که استنکاف خادمان یا بستگان، ابلاغ قانونی و مشمول ماده ۷۰ است و اثرات هر کدام از این ابلاغ‌ها در دادرسی، از جمله حضوری یا غیابی محسوب شدن رأی، بسیار حائز اهمیت است و به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. برای ارتقاء این فرآیند ارزشمند شایسته است که سازوکار ابلاغ برای افراد خارج از کشور، مجهول‌المکان و کسانی که فاقد حساب کاربری هستند در نظر گرفته شود که بتوانند همگام با سایر شهروندان جامعه از این امتیاز بهره‌مند گردند.

مهم‌ترین پرسشی که در این زمینه قابل طرح می‌باشد، بررسی مقوله اجباری یا اختیاری بودن مسأله ابلاغ الکترونیک می‌باشد. با عنایت به این مطلب که ابلاغ الکترونیک در نظام قضایی ایران پدیده نوظهوری محسوب می‌شود و با اینکه در خصوص ابلاغ الکترونیک از ابتدای قانون‌گذاری آن از سال ۱۳۸۸، نصی وجود ندارد و لکن همکاران امر قضا همانند نظام‌های قضایی اروپایی، تمایل به شیوع و استفاده از روش‌های نوین تبادل اطلاعات و مکاتبات دارند به‌طوری‌که برای مثال در انتهای فرم‌های جدید دادخواست به شماره ۲/۱۲۹۶/۱۰۲۴/۲۴ که اداره کل تشکیلات قوه قضاییه منتشر می‌کند، مشاهده می‌شود که خواهان می‌تواند در صورت تمایل به دریافت اوراق به صورت حضوری، تلفنی یا از طریق نمایر یا پست الکترونیک به وی ارسال شود، آدرس خود را درج نماید. مباحث مفصل‌تری از این موضوع در متون آیین دادرسی فراملی قابل مشاهده است (۸)، که به نظر می‌رسد، اختیاری نمودن این مسأله با حقوق اصحاب دعوا بیشتر سازگار باشد، همان‌گونه که در ابتدا نیز رویکرد قانون‌گذار بر اختیاری بودن این روند اشاره دارد.

۲-۱. ابلاغ الکترونیک در کامن‌لا: در این بخش تلاش

می‌شود که درخصوص ابلاغ الکترونیک در نظام قضایی آمریکا و انگلیس و ولز پرداخته شود با ذکر رویه‌های عملی با این مسأله

بهتر آشنا شویم. در قانون آمریکا موضوع ابلاغ در ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی و در انگلستان و ولز، موضوع ابلاغ در ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۹۹۸ بیان شده است. همچنین در همین قانون در ماده ۶/۱۵ به بیان روش‌های جایگزین ابلاغ نیز پرداخته است. در آمریکا کمیته دانش و فناوری ABA در این زمینه فعالیت‌های فراوانی را انجام داده است. مأموریت این کمیته، رهبری موضوعات جدید در تقابل حقوق و دانش و فناوری است و سعی دارد تا با بهبود سیاست‌های مناسب و فهم عمومی در چنین موضوعاتی، توسعه حرفه‌ای اعضای خود را ارتقا بخشد. سیستم قضایی آمریکا در زمینه استفاده از فناوری، پیشرفت‌های بی‌شماری داشته است از جمله:

۱. تشکیل پرونده الکترونیکی^۱ (۹)

۲. وب سایت دادگاههای فدرال^۲ (۱۰)

۳. دادگاههای آنلاین^۳ (۱۱)

از جمله نخستین کشورهایی که تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی را در قلمرو ابلاغ الکترونیکی و بایگانی اسناد و ماهیت قانون آیین دادرسی مدنی فدرال معرفی کرده است، ایالات متحده آمریکا می‌باشد. قانون آیین دادرسی مدنی فدرال (FRCP) در عنوان دوم قاعده ۴ دو نوع ابلاغ را برشمرده است: از یک‌سو؛ ابلاغ دادخواست یا نخستین اخطاریه‌ی خواهان به خواننده به منظور آگاه‌سازی وی از آغاز دادرسی و در سوی دیگر ابلاغ اسناد دیگری که در جریان دادرسی لازم است در خصوص ابلاغ دادخواست به عنوان نخستین اوراق طرح دعوا، هیچ قانونی وجود ندارد که اجازه‌ی استفاده از ابزارهای الکترونیک را بدهد. همچنین مقرر کرده است؛ که ابلاغ دادخواست و اوراق ابتدایی باید با تحویل کپی حضاریه و دادخواست به شخص مورد نظر یا الصاق یک نسخه از آن در منزل وی و یا تحویل اوراق به اشخاصی در منزل وی که سن مناسبی دارند و یا به نماینده قانونی وی صورت پذیرد.

لذا نظام حقوقی پیشرفته، برای تسریع در جریان پرونده قضایی، مستلزم بهره‌گیری از تکنولوژی در راستای الکترونیکی

شدن دادرسی الکترونیک می‌باشد. یکی از ابزارهای دادرسی الکترونیک، ابلاغ الکترونیک می‌باشد بنابراین مقررات ابلاغ باید به گونه‌ای باشد که حتی‌الامکان به روشی اطمینان‌بخش زمینه اطلاع‌رسانی را برای اصحاب دعوی فراهم کند. حتی در جوامع پیشرفته از ادله الکترونیک هم استفاده می‌گردد. ادله الکترونیک عبارت از اسناد و مدارک ثبت‌شده در سامانه‌های رایانه‌ای و اینترنت و اتوماسیون اداری است (۱۲). قانون و آیین دادرسی مدنی فدرال، همچنین مقرر داشته است که کلیه‌ی اسنادی که در جریان دادرسی لازم است که ابلاغ شود، می‌تواند از طریق الکترونیک ابلاغ گردد. این قانون، ابلاغ الکترونیکی را در صورتی که شخص به صورت کتبی، رضایت خود را اعلام نماید، امکان‌پذیر دانسته است. این اسناد به محض ارسال، ابلاغ‌شده محسوب می‌شود، اما اگر ارسال‌کننده ابلاغ بداند که این ابلاغ برای شخص دریافت‌کننده قابل دسترسی نیست، ابلاغ مؤثر نخواهد بود و یا در مواقعی که شخص به صورت کتبی، رضایت خود را برای ابلاغ الکترونیک به وکیل خود اعلام کرده است فقط در صورت تحویل ابلاغیه‌ها به وی، ابلاغ مؤثر است. قانون، مقررات مشابهی را در خصوص ابلاغ الکترونیک پیش‌بینی کرده است به این صورت که اثبات ابلاغ از طریق تصدیق مخاطب ابلاغ و یا ثبت مواردی از جمله تاریخ ابلاغ و روش انجام ابلاغ، فردی که ابلاغ را ارسال کرده است، ایمیل و آدرس الکترونیک شخص صورت می‌گیرد (۱۳).

ماده ۶/۳ قانون آیین دادرسی انگلستان، ابلاغ از طریق ابزارهای الکترونیک از قبیل پست الکترونیک، فکس و غیره را منوط به رضایت کتبی و صریح شخص مخاطب یا وکیل وی دانسته است و در صورت رضایت و اعلام آدرس الکترونیکی، باید ابلاغ از این طریق انجام پذیرد و فرض می‌شود که وی ابلاغ را دریافت کرده است. وکیل در یک برگه به صورت کتبی آدرس الکترونیک را قید می‌کند در همان برگه ذکر می‌کند که این آدرس جهت ابلاغ اخطاریه‌های دادگاه و یا جهت پاسخگویی به دعوی است. طرفی که خواهان ابلاغ الکترونیک است باید ابتدا از این امر که آیا محدودیتی در خصوص پذیرش ابلاغ وجود دارد یا نه مطلع گردد؛ برای مثال فرمت

1. Electronic Filing

2. Websites for federal courts

3. Internet streaming court coverage

تلویزیون را صادر نمود. همچنین در سال ۲۰۱۱ دادگاهی در آمریکا در پرونده طلاق که به خوانده دسترسی نبود، اجازه ابلاغ از طریق فیس‌بوک را صادر کرد. در سایر کشورها نیز می‌توان سابقه ابلاغ الکترونیک را مشاهده کرد، مثلاً در دادگاههای استرالیا در سال ۲۰۰۸ قضات در مواردی که ابلاغ سنتی با شکست مواجه می‌شد، اجازه ابلاغ را از طریق فیس‌بوک صادر نمودند و در کانادا و نیوزلند نیز مواردی از این دست قابل مشاهده است (۱۵).

مثلاً در پرونده (Fortunato V Chase Bank) قضات در صورتی اجازه ابلاغ الکترونیک از طریق فیس‌بوک یا ایمیل را دادند که خواهان در این پرونده اثبات کند خوانده اخیراً در این شبکه‌ها فعال بوده است و قطعاً ابلاغ را رؤیت خواهد کرد؛ لذا با بررسی این نمونه، واضح و مبرهن است که در سیستم قضایی آمریکا نیز هنوز ابلاغ الکترونیک مورد پذیرش کامل، قرار نگرفته است. از نظر قضات آمریکایی، ابلاغ الکترونیک معایب و مزایایی دارد که در ادامه اشاره‌ای کوتاه به آن خواهیم داشت.

مهم‌ترین عیب از نظر آنان، عدم وجود رسید برگشت است. از طرفی ذخیره‌سازی محدود در سیستم‌های الکترونیکی و غیر قابل اطمینان بودن ایمیل و همچنین عدم دسترسی به کامپیوتر برای عموم، در کار ابلاغ اخلاص ایجاد می‌کند و از لحاظ آثار روانی نیز ابلاغ حضوری با ابلاغ الکترونیکی بسیار متفاوت است. از طرفی حساب‌های کاربری فیس‌بوک می‌تواند جعلی باشد. در طرف مقابل، آنچه غیر قابل انکار است سریع و ارزان بودن ابلاغ الکترونیک می‌باشد. از طرفی، اکثریت جامعه آمریکا به ایمیل دسترسی دارند و میزان خطای انسانی کاهش می‌یابد بنابراین، رویه در دادگاههای آمریکا بدین صورت است که در جایی که روش‌های سنتی ابلاغ با شکست روبه‌رو می‌شود مجوز استفاده از ابلاغ الکترونیک وجود خواهد داشت (۱۵).

بر طبق بند (d) قاعده ۴ آیین دادرسی مدنی فدرال خواهان و خوانده می‌تواند از خدمات ابلاغ صرف‌نظر کنند (waiving service). دادگاه یک نسخه شکواییه یا دادخواست را برای شاکی یا خوانده بدین مضمون که این یک احضاریه و

اسناد ارسالی چیست و حداکثر حجم اسناد ارسال شده به چه میزان است. در قاعده‌ی ۶/۱۱ مقرر شده است که ابلاغ الکترونیک باید امکان‌پذیر باشد تا بتوان از آن استفاده نمود. اگر در یک قرارداد به روش خاصی از ابلاغ، توافق شده باشد؛ مثل اینکه در قرارداد ذکر شود که در صورت دعوی درخصوص این قرارداد ابلاغ اسناد در مکان‌های معین شده در قرارداد خواهد بود، در این صورت ابلاغ الکترونیک نمی‌تواند انجام گیرد (۱۴).

با این وجود دادگاههای آمریکا در پذیرش سیستم‌های الکترونیکی، علاقه چندانی را از خود نشان نمی‌دهند. به‌طور مثال در پرونده (Fortonato V Chase Bank U.S.A) دادگاه با شیوه ابلاغ از طریق فیس‌بوک و ایمیل موافقت ننمود و در نهایت به ابلاغ از طریق چاپ در روزنامه محلی رضایت داد. قضات آمریکایی به ابلاغ از طریق سیستم‌های الکترونیکی بی‌میل هستند و دلیل آن را بدین‌گونه می‌توان تشریح کرد: با عنایت به اینکه مسأله ابلاغ در سیستم قضایی آمریکا سنگ‌بنای یک دادرسی عادلانه محسوب می‌شود و از آنجا که اطلاع یافتن خوانده از دعوا و پاسخگویی او اهمیت زیادی دارد و در استفاده از ابزارهای الکترونیک، قضات باید اطمینان حاصل کنند که ابلاغ به دست خوانده رسیده است، بار اثبات این مسأله به دوش خواهان می‌باشد و معمولاً دادگاههای آمریکا در زمانی که روش‌های سنتی با شکست مواجه می‌شوند به سمت روش‌های الکترونیکی گرایش پیدا می‌کنند. درخصوص این مسأله در سال ۱۹۵۰ در دعوایی که بین Mullance V Central Hanover Trust در دادگاه عالی مطرح شد در نهایت برای سرویس‌های جایگزین ابلاغ، استاندارد و قاعده وضع شد (۱۵).

در ایالت متحده آمریکا سرویس ابلاغ الکترونیک به عنوان روش جایگزین، فقط در زمینه بین‌المللی و طبق قاعده Fed.R.Civ.P.4(f)(3) پذیرفته شده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۲ در دعوایی که بین Rio Properties inc V Rio International interlink بود، دادگاه اجازه ابلاغ از طریق ایمیل را صادر کرد. مثال دیگر، در سال ۲۰۰۱ دادگاهی در نیویورک در پرونده اسامه بن‌لادن، اجازه ابلاغ از طریق

اخطار رسمی از طرف دادگاه نیست ارسال می‌نماید. این یک درخواست است که از هزینه‌های بی‌مورد جلوگیری به عمل می‌آورد. در این فرآیند، اشخاص می‌توانند با امضا نمودن و بازگرداندن انصراف‌نامه از خدمات رسمی ابلاغ صرف‌نظر کنند. فرمت انصراف باید ظرف ۳۰ روز یا در نهایت ۶۰ روز (اگر شخص در خارج از حوزه قضایی حاضر باشد) به دادگاه بازگردانده شود. ادامه روند دادرسی بدین‌صورت است که تاریخ دریافت نامه انصراف شخص، تاریخ ابلاغ محسوب می‌شود و از این تاریخ به مدت ۶۰ روز یا اگر شخص خارج از حوزه قضایی باشد، ۹۰ روز مهلت برای پاسخ‌گویی به شکواییه وجود دارد و اگر نامه انصراف تا زمان مشخص شده امضا نگردد، دادگاه ترتیبی خواهد داد که احضاریه به شخص ابلاغ گردد و هزینه‌های ابلاغ به ابلاغ‌شونده تحمیل می‌گردد. با بررسی قاعده ۴ آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا و قاعده ۶ قانون ۱۹۹۸ انگلستان و ولز به این نتیجه می‌رسیم که روند ابلاغ الکترونیک در این کشورها کاملاً اختیاری و با رضایت طرفین دعوی می‌باشد. همچنین با دقت در رویه قضایی در پرونده‌ها مشخص می‌گردد در مواردی که دادگاه از روش‌های سنتی ناامید می‌شود، به روش‌های الکترونیک رو می‌آورد.

ماده ۵ قانون آیین دادرسی فدرال مقرر کرده است؛ کلیه اسنادی که در جریان دادرسی لازم است ابلاغ شود، می‌تواند از طریق الکترونیک یا روش دیگری که به آن رضایت می‌دهد ابلاغ گردد. این قانون، ابلاغ به وسیله الکترونیک را در صورتی که شخص به صورت کتبی رضایت خود را اعلام نماید، امکان‌پذیر دانسته است، این اسناد به محض ارسال، ابلاغ‌شده محسوب می‌شود، اما اگر ارسال‌کننده ابلاغ بداند که این ابلاغ، برای شخص دریافت‌کننده قابل دریافت نیست، ابلاغ مؤثر نخواهد بود و یا در مواقعی که شخص به صورت کتبی رضایت خود را برای ابلاغ الکترونیک به وکیل خود اعلام کرده است، فقط در صورت تحویل ابلاغ‌ها به وی، ابلاغ مؤثر کرده است.^۱

1. (e) sending it by electronic means if the person consented in writing-in which event service is complete upon transmission, but is not effective if the serving party learns that it did not reach the person to be served; or (f) delivering it by any other means that the person consented to in writing-

در قاعده ۶/۳ بخش (d)، ابلاغ از طریق ابزارهای الکترونیک فکس و غیره منوط به رضایت کتبی و صریح شخص مخاطب یا وکیل وی است و در صورت رضایت و اعلام آدرس الکترونیکی، باید ابلاغ از این طریق اعلام پذیرد و فرض می‌شود که وی ابلاغ را دریافت کرده است. وکیل در یک برگه به صورت کتبی آدرس الکترونیک را قید می‌کند. در همان برگه ذکر می‌کند که این آدرس جهت ابلاغ اخطاریه‌های دادگاه است و یا جهت پاسخ‌گویی به دعوی طرفی که خواهان ابلاغ الکترونیک است باید ابتدا این امر را که آیا محدودیتی درخصوص پذیرش ابلاغ وجود دارد یا نه، مطلع گردد.^۲

ماده ۶/۱۱ مقرر شده است که ابلاغ الکترونیک باید امکان‌پذیر باشد تا بتوان از آن استفاده نمود. اگر در یک قرارداد به روش خاصی از ابلاغ توافق شده باشد، مثل اینکه در قرارداد ذکر شود که در صورت دعوی درخصوص این قرارداد ابلاغ اسناد در مکان‌های معین‌شده در قرارداد خواهد بود، در این صورت ابلاغ الکترونیک نمی‌تواند انجام گیرد.^۳

۲. دادرسی الکترونیک در ایران و کامن‌لا

در این مبحث ضمن تشریح کلیاتی درخصوص دادرسی الکترونیک به تبیین جایگاه آن در حقوق ایران و کامن‌لا پرداخته می‌شود.

۲-۱. دادرسی الکترونیک در ایران: دادرسی

الکترونیکی را این‌گونه می‌توان تعریف نمود که نوعی

in which event service is complete when the person making service delivers it to the agency designated to make delivery.
2. Methods of service 6.3 (1) A claim form may (subject to Section IV of this Part and the rules in this Section relating to service out of the jurisdiction on solicitors, European Lawyers and parties) be served by any of the following methods-(a) personal service in accordance with rule 6.5; (b) first class post, document exchange or other service which provides for delivery on the next business day, in accordance with Practice Direction 6A; (c) leaving it at a place specified in rule 6.7, 6.8, 6.9 or 6.10; (d) fax or other means of electronic communication in accordance with Practice Direction 6A; (e) any method authorised by the court under rule 6.15.

3 6.11 Service of the claim form by contractually agreed method (1) Where-(a) a contract contains a term providing that, in the event of a claim being started in relation to the contract, the claim form may be served by a method or at a place specified in the contract.

مخصوص قوه قضاییه که ذیل آن، شماره مخصوص دارد الزامی است. تهیه فرم کپی دادخواست یا فرم اسکن شده دادخواست یا طراحی فرمی شبیه دادخواست به وسیله رایانه و استفاده از آن برای طرح دعوا نمی‌تواند جایگزین فرم مخصوص دادخواست باشد، زیرا مقنن در صدر ماده ۵۱ به نحوه آمرانه و با استفاده از کلمه «باید» طرح دعوا در فرم مخصوص را مقرر داشته است (۷).

در مورد نوشتن دادخواست بر روی برگ‌های چاپی مخصوص، ضمانت اجرای خاصی در قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است. برخی حقوق‌دانان در این زمینه معتقدند که چنین برگی را نمی‌توان دادخواست تلقی کرد و لذا چنین برگی فاقد اثر قانونی دادخواست است (۱۷). برخی دیگر بیان داشته‌اند که در قانون آیین دادرسی مدنی، ضمانت اجرای خاصی برای این مورد پیش‌بینی نشده است (۱۸). بعضی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند که با عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا برای تقدیم دادخواست به زبان غیر فارسی یا غیر فرم مخصوص، رویه‌ی قضایی به چنین دادخواستی ترتیب اثر نمی‌دهد کما اینکه در رأی شماره ۱۸۵۶ مورخ ۱۳۲۶/۱۱/۲۴ شعبه هشتم دیوان عالی کشور، تقدیم دادخواست به زبان محلی و نوشتن صورت مجلس به زبان محلی، مخالف اصول مسلم دادرسی شناخته شده است (۱۹). نظراتی که بیان شد هیچ‌کدام صراحتاً در خصوص عدم امکان ثبت دادخواست به روش الکترونیک اعلام نظر ننموده بودند.

بدین‌گونه نیز می‌توان تحلیل نمود که این مسأله آنچنان از نظر قانون‌گذار واضح بوده است که نیازی به ذکر ضمانت‌نامه جدا برای این مورد ندیده است و نیاز به فرم مخصوص دادخواست بدیهی است و هر نظری دیگری در این خصوص، نشان‌دهنده اجتهاد در برابر نص است که پذیرفته نیست. از طرفی آیین‌نامه مورد بحث در اجرای مفاد ق.آ.د.ک تدوین شده است، ولی قلمرو آن محدود به دادرسی کیفری است و تعمیم آن به دادرسی حقوقی و اجرای احکام می‌تواند بخشی از مقررات آ.د.م، مواد ۶۷ تا ۸۳، را منسوخ و باطل کند حال آنکه چنین نتیجه‌ای نمی‌تواند درست باشد، چراکه قانون آیین دادرسی کیفری مختص موضوعات کیفری است و نمی‌توان

بهره‌برداری از ابزارها و شیوه‌های الکترونیکی در ارتباطات و تبادل اطلاعات است که خصوصاً در فرآیندهای رسیدگی در دادگاهها منجمله ثبت دادخواست، دریافت ابلاغیه و صدور رای و اجراییه مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱). به بیان دیگر، دادرسی الکترونیکی عبارت است از به کار بستن سیستم‌های الکترونیکی به جای استفاده از طرق سنتی و کلاسیک، که خاصه اصطلاح دادرسی الکترونیکی نیز اشاره به همین استفاده دادگاهها در راستای تقویت روند رسیدگی از ابزارهای الکترونیکی در حوزه ارتباطات و مراودات خود، و نه تغییر و تحولی در مبانی دادرسی و احکام، دارد (۱۶).

لازم به ذکر است امروزه حوزه دادرسی الکترونیک حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود: شهادت مجازی اتهام کنفراسی پرونده‌های الکترونیکی و سایر موارد ازجمله ابلاغ اوراق و تصمیمات مراجع را شامل می‌شود. در سیستم فعلی قضایی ایران دادرسی الکترونیک عمدتاً منحصر به قسمت آخر است و امور مطروحه در قلمرو دادرسی الکترونیکی مثل شهادت مجازی اداره جلسه دادگاه و استماع اظهارات طرفین در حال حاضر امکان اجرایی ندارد. به بیان ساده‌تر، دادرسی الکترونیکی تنها رایانه‌ای شدن دادگاهها و دادرها به معنی رها شدن از دفاتر متعدد دادگاهها، همچون دفتر اندیکاتور، دفتر ثبت لوایح، دفتر ثبت ارجاعی و دیگر دفاتر موجود بوده است. حتی پردازش و تبادل اطلاعات هم هدف نهایی قانون‌گذار را تأمین نمی‌کند. با پدید آمدن چالشی مانند شیوع ویروس کرونا این فرصت فراهم شد که دستگاه قضایی به طور جدی به ظرفیت‌های موجود دادرسی الکترونیک برای تحقق و اعمال عدالت در همه شرایط و زمان‌ها باشد.

در راستای دادرسی الکترونیک افراد برای ثبت دادخواست و شکواییه باید دفاتر خدمات قضایی مراجعه نمایند. از سوی دیگر، با توجه به نص صریح ماده ۵۱ آیین دادرسی مدنی، دادخواست باید به زبان فارسی بر روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شود و فرم مخصوص دادخواست توسط قوه قضاییه تهیه و از طریق دادگستری‌ها در اختیار مردم قرار گیرد. در ادامه به تحلیل تعارض این دو گزاره می‌پردازیم. یکی از نویسندگان در این زمینه معتقد می‌باشد استفاده از فرم‌های

احکام و خصوصیات آن را شامل دیگر انواع دعاوی دانست. علاوه بر این در موضوع احضار و جلب و تحقیق از متهم از فصل ششم این قانون می‌خوانیم که موارد مذکور فقط بر دادرسی کیفری حکومت دارد و مصوبات مرتبطه و آن‌نامه‌های اجرایی آن را نمی‌توان مستمسک و مبنای عمل در دیگر امور قرار داد. ضمناً اگرچه شاهد این هستیم که همان قواعد ابلاغ در آ.د.م در آ.د.ک نیز جاری و ساری است ولیکن علت چیزی نیست جز وجود رابطه‌ای عام میان آ.د.م و آ.د.ک و لذا نمی‌توان برعکس این را قبول نمود که قواعد خاص آ.د.ک را در آ.د.م جاری ساخت. اعتقاد به حاکمیت این آیین‌نامه در دادرسی حقوقی بدین معنی است که قواعد ابلاغ در آ.د.م نسخ شده باشد، که چنین ادعایی باطل است. چرا که قانون مذکور با آوردن ماده ۱۷۷ و ارجاع به قواعد ابلاغ در آ.د.م ثبات قواعد ابلاغ را به رخ کشیده است؛ علاوه اینکه در مقام نسخ آ.د.م نبوده بلکه بر عکس می‌باشد. از سوی دیگر وقتی خود قانون اصلی در مقام نسخ نبوده به طریق اولی آیین‌نامه اجرایی که تابع و ناشی از آن است نیز نمی‌تواند در مقام نسخ باشد. همچنین قابل ذکر است که بنابر اصل تفکیک قوا، قانون‌گذاری از شئون قوه مقننه است و «آیین‌نامه» که در مرتبه پایین‌تری از قانون است قدرت و حاکمیت برای نسخ قانون را ندارد. لذا به نظر می‌رسد آیین‌نامه به علت تعارض با مواد ۶۷ تا ۸۳ در دادرسی حقوقی و اجرای احکام، فاقد اعتبار بوده و قابلیت اجرا ندارد.

با عنایت به نظر گروهی از حقوقدانان «به نظر می‌رسد که مقصود از برگه‌های چاپی مخصوص همان فرمی است که توسط اداره کل تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضایی چاپ شده و در دادگستری موجود است»؛ البته با توجه به پیشرفت‌های غیرقابل انکار فناوری، این تصریح نیاز به اصلاح دارد؛ چرا که هیچ تفاوتی میان فرم مذکور و فرم دادخواستی که پرینت می‌شود وجود ندارد (۳). بنابراین به نظر می‌رسد شیوه ثبت دادخواست الکترونیکی مغایرتی با بخش اول ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی ندارد.

دادرسی الکترونیک در سیستم قضایی ایران در زمینه ابلاغ الکترونیک پیشتاز بوده است، که با عنایت به رویکرد مثبت قوه

قضاییه و به وجود آمدن بحران کرونا در این دوران می‌توان این تهدید را به یک فرصت تبدیل نمود و از ظرفیت‌های قوانین موجود در این زمینه استفاده نمود، مانند قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در تبصره ۲ ماده ۲۰۴ می‌گوید: «در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی باشد». اما قانون‌گذار یک استثنا برای این موضوع قائل شده و در بند (پ) ماده ۲۱۴ همین قانون گفته که هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، استماع اظهارات شاهد یا مطلع، خارج از دادرسی با وسایل ارتباط از راه دور و با ذکر علت در پرونده اتخاذ می‌شود. قانون‌گذار در این ماده به بازپرس اجازه داده که از ابزارهای الکترونیکی برای استماع شهادت استفاده کند و تعریفی نیز از آن ارائه نداده است، البته این کار احتمال بروز خطراتی در خصوص شناسایی شاهد را داشته، که بازپرس پرونده باید به نحو مقتضی اطمینان حاصل کند که تقلبی در کار نبوده و شاهد، واقعی باشد و حتی برای این کار می‌تواند از کارشناسان فنی کمک بگیرد.

در نظام حقوقی ایران با تصویب آیین دادرسی الکترونیکی گامی بزرگ در گسترش دادرسی الکترونیک برداشته است و به نظر می‌رسد این تهدید و بروس کرونا را باید تبدیل به فرصت نمود و از ظرفیت‌های موجود در قانون آیین دادرسی کیفری از جمله ماده ۶۵۵ قانون یاد شده استفاده نمود که اشعار می‌دارد: در مواردی که حسب قوانین آ.د.م و غیره، سند یا محتوی یا اطلاعاتی به صورت الکترونیکی موجود باشد اعم از اینکه از ادله اثباتی باشد یا از اسناد مرتبط به پرونده، با رعایت سیستم‌های الکترونیکی و کشف صحت و سقم آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. و در تبصره نیز اضافه می‌نماید که صرف اینکه یک سند یا محتوایی الکترونیکی است، چیزی از اعتبار آن نمی‌کاهد و ایجاد فضای امن برای تبادلات میان طرفین دعوا با دفاتر خدمات قضایی و دادگستری و ضابطین و کلیه مراجع مرتبط آن بر عهده دادگستری است. در ماده ۶۵۹ نیز برای استفاده از ویدئو کنفرانس به هدف تحقیق از اصحاب

دعوا و اخذ شهادت شهود یا نظرات کارشناسی حکم به جواز داده است، البته با این قید که اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت و ضبط مطمئن سوابق انجام بگیرد و در ماده ۶۶۲ این قانون به لزوم آموزش دادرسی الکترونیک به قضات و کارکنان قضایی و سایر نیروها تأکید نموده است؛ که همین مسأله بیانگر پتانسیل بسیار عالی برای پیشبرد اهداف دادرسی الکترونیک به ویژه در شرایط فعلی جامعه می‌باشد، البته این مسأله را نیز نباید از نظر دور داشت که در زمینه دادرسی الکترونیک با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستیم، از جمله نقص استانداردهای دادرسی عادلانه از جمله اصل عدم تبعیض و برابری اصحاب دعوی، اصل علنی بودن دادرسی و فقدان زیر ساخت‌های آموزشی و امنیت سایبری (که در این مقاله درصدد بیان این چالش‌ها نمی‌باشیم)، به هر حال هر پدیده نوظهوری چالش‌های مرتبط با خودش را دارا می‌باشد. آنچه اهمیت دارد پیشبرد اهداف هرچه بیشتر دادرسی الکترونیک به موازت سیستم سنتی می‌باشد.

۲-۲. دادرسی الکترونیک در کامن‌لا: در این بخش

تلاش می‌شود ابتدا با تعریف مختصری از دادرسی الکترونیک، دادرسی الکترونیک در سیستم حقوقی آمریکا و انگلستان و کانادا با بیان نمونه‌های عملی تشریح شود. بعضی از نویسندگان معتقدند که دادرسی الکترونیکی ابزار جدید فوق‌العاده‌ای است که به طرفین حل اختلاف مشاجره حقوقی، امکان رسیدگی کردن، درک مدارک و شواهد و استدلال‌ها را به شکل مؤثر می‌دهد. دادرسی الکترونیک، دادرسی است که در آن ارائه و مشاهده مدارک و شواهد از طریق تصاویر طراحی شده، به جای مدارک کاغذی صورت می‌گیرد (۲۰).

به بیان دیگر، در دادرسی الکترونیکی، تشکیل پرونده به صورت مجازی و الکترونیکی صورت می‌گیرد بدین‌صورت که در فضای اینترنت، پرونده‌ها با تبادل داده پیام و از طریق نامه الکترونیکی، رودرویی اینترنتی و سرویس گپ‌زنی تشکیل می‌شوند و به‌طور کلی مراحل تشکیل یک پرونده به صورت مجازی، مثل شیوه سنتی آن است، به‌طوری‌که قبل از تشکیل پرونده، فرد باید وارد پایگاه وب سایت قوه قضاییه گردیده و فرم مربوط به ثبت‌نام، که دربرگیرنده مشخصات فردی فرد و

مسئله‌ای که در رابطه با آن، می‌خواهد پرونده تشکیل دهد را تکمیل کند و سپس به سامانه ارسال نماید و مالک پایگاه نیز می‌تواند که این پرونده را تشکیل دهد و یا ایرادات آن را برطرف نموده و یا نسبت به پرونده اعلام نقص نموده و آن را در صف اصلاح قرار دهد (۲۱). شایان ذکر است، تعاریف دیگری نیز از درخصوص دادرسی الکترونیک موجود می‌باشد که در این مقال به همین حد بسنده می‌کنیم و در ادامه به بررسی چگونگی دادرسی الکترونیک در سیستم حقوقی آمریکا و انگلیس می‌پردازیم.

مسأله قابل توجه در بررسی دادرسی الکترونیک در سیستم حقوق کامن‌لا نشان می‌دهد که بسیاری از دادگاه‌ها با وجود استفاده از ابزارهای الکترونیک در راستای دادرسی الکترونیک به خصوص در دادرسی‌های کیفری به اصول سنتی بسیار پایبند هستند. در نظام حقوقی کامن‌لا ممکن است همه یا بخشی از دادرسی توسط تلفن یا ویدیو کنفرانس صورت گیرد، البته در صورت رضایت طرفین یا انگیزه قانع‌کننده یکی از طرفین دعوا، به هر حال هیچ‌گونه اجبار اولیه در این زمینه وجود ندارد، به عبارتی دیگر دادرسی الکترونیکی مدنی، عبارت است از طرح دعوای حقوقی از طریق سامانه الکترونیکی و مجازی. در این نوع از دادرسی اخذ دادخواست، تفکیک دادخواست‌ها، مشخص شدن نوبت دادرسی بدوی، رسیدگی بدوی، صدور قرار و یا درخواست کارشناسی، دادگاه اصلی، صدور حکم و دستور به اقدام حکم، به صورت الکترونیکی صورت می‌پذیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود چیزی علاوه بر نظام اداری در آن نیست و اقسام مختلف این اجزا را می‌توان تحت یک سیستم یکپارچه نرم‌افزاری رصد و مدیریت نمود چرا که این تبدلات در سطح دفتر و مرتبه اداری است و براینی به این سیستم، نیازی به تغییرات ساختاری و محیطی نیست (۲۲).

سال ۱۹۷۲ بود که روش کنفرانس ویدئویی برای جلسه تعیین قرار در دادگاه ایلینوز برای اولین بار مطرح شد. کمی بعدتر در سال ۱۹۷۴ دادگاه فیلادلفیا از شیوه تلویزیون مدار بسته در برگزاری جلسه مقدماتی دادگاه استفاده کرد. درخصوص جرائم جنحه‌ای نیز این روش در دادگاه فلوریدا در

اسکتر اسناد (Document cameras): این تکنولوژی به‌خصوص در جایی که با حجم بالایی از اسناد و مدارک سر و کار داریم اسکن مدارک را انجام می‌دهد.

دستگاه تقویت‌کننده صدا (Audio amplification for hearing impaired): این دستگاه به‌خصوص در دادگاههایی که به صورت آنلاین برگزار می‌شود، کاربرد دارد و از سال ۲۰۰۸ مدیریت اسناد را نیز به آن اضافه نمودند (۲۵).

در نظام حقوقی آمریکا یک سیستم گزارش‌دهنده دیجیتال دادگاه فراهم شد، که به کمک نرم‌افزاری می‌تواند همه امور اتفاق افتاده در دادگاه را که به صورت صوتی است ضبط و ثبت نموده و به صورت فوری به کامپیوتر یا لپ‌تاپ قاضی ارسال نموده و این امکان را به وی می‌دهد که در تفسیر نحوه دادرسی از این قابلیت بهره جوید. علاوه بر آن، برای دیگر اعضا و مخاطبان محکمه همچون وکلا و شاهدین و هیئت منصفه نیز این امکان ایجاد می‌شود که بتوانند کل جلسات رسیدگی را مجدداً مشاهده و مورد استفاده قرار دهند. در این سیستم، همه رویدادهای صوتی به واسطه راه ارتباطی مخابراتی به یک سرور اصلی منتقل گردیده و قابلیت استفاده از نسخ متعدد آن در قالب فایل‌های صوتی تصویری فراهم می‌شود. در صورت راه‌اندازی این سامانه در دادگستری، این قابلیت ایجاد می‌شود که منشی دادگاه بتواند هم‌زمان چهار فرآیند رسیدگی در شعبه از یک مجتمع قضایی را نظارت و تفسیر نموده و در کامپیوتر خود کنترل نماید (۱۷)، البته ورود تکنولوژی به عرصه قضایی را نباید به صورت یک‌جانبه قضاوت کرد و باید ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داد. در ادامه به نمونه‌ای از اظهارنظرها در این زمینه می‌پردازیم.

نظام قضایی انگلستان با فراهم نمودن دسترسی به کلیه پرونده‌های معوقه با سوابق آنان برای محاکم، امکان صدور نسخه کپی و تأیید شده آن و اجازه دسترسی وکلا به این آرشیو الکترونیکی، به کمک یک کد الکترونیکی و بدون نیاز به مراجعه حضوری و حتی مشاهده رأی صادر شده را نیز ایجاد نموده و همچنین اصحاب دعوی و افراد مرتبط من جمله شاهدین پرونده می‌توانند به شیوه ویدئو کنفرانس در جلسه شرکت کنند. این سیستم حتی برای افرادی که دسترسی به

سال ۱۹۸۳ به کار رفت. فعالیت‌های قضایی مکانیزه‌ای نیز در سال ۱۹۹۰ توسط نظام قضایی هند آغاز شد و در طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۲ مکانیزه و الکترونیکی نمودن تمام دادگاهها تحت عنوان^۱ NIC ادامه یافت (۲۳).

اگر کمی به عقب‌تر برگردیم در سال ۱۹۹۵ با تصویب قانون اصلاح دعاوی مرتبط با حبس، مواجه می‌شویم که در نوع خود نوآوری بود. امکان طرح دعاوی افراد زندانی از طریق تلفن و ویدئو کنفرانس یا سایر تکنولوژی‌ها بدون انتقال فرد از زندان به دادگاه، از ابداعات این قانون بود. در دعاوی مدنی نیز امکان طرح ویدئو کنفرانس در سال ۱۹۹۶ به میان آمد و در سال ۲۰۰۱ قانونی وضع شد تا امکان انجام ویدئو کنفرانس فقط در برخی جرائم وجود داشته باشد (۲۴).

بنابراین در نظام حقوقی کامن‌لا دادرسی الکترونیک به وضوح دیده می‌شود. یکی از این سیستم‌ها به نام درگاه خدمات دادگاه (CSD^۲) نامیده می‌شود و از سال ۲۰۰۱ که این سرویس راه‌اندازی شده است، هدف آن به روز کردن تکنولوژی در فرآیند دادرسی بوده و در ادامه به چند نمونه از این تکنولوژی که در دعاوی مدنی استفاده شده اشاره مختصری خواهیم داشت.

سیستم پیگیری استانی (A provincial case tracking system): این سیستم توسط کارمندان دادگاه در دعاوی مدنی و خانوادگی و جرائم کوچک استفاده می‌شود که به‌طور خودکار زمان‌بندی پرونده را انجام می‌دهد و همچنین پرونده‌ها را شماره‌گذاری می‌کند. به‌طور کلی از اخطار گرفته تا دستورات دادگاه را در یک برنامه زمان‌بندی تنظیم می‌کند. سیستم ویدئو کنفرانس (Video conferencing): در حال حاضر از این سیستم در مواردی مانند شهادت شهود استفاده می‌شود.

دادگاه الکترونیک (Electronic Courtroom): این دادگاه معمولاً در دعاوی تجاری بزرگ و جایی که حجم زیادی از مدارک و شواهد باید بررسی شود و دسترسی به شهود از راه دور امکان‌پذیر است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اینترنت ندارند نیز از طرق تلفن گویا و دریافت رونوشت از سامانه را فراهم نموده است (۲۳).

در انگلستان برای رسیدگی به دعاوی مالی، سازوکار ویژه‌ای به نام money claim online, PD 7E وجود دارد، که به دعاوی مالی به صورت الکترونیکی رسیدگی می‌کنند و در سیستم حقوقی بسیاری از کشورها روش‌های الکترونیکی دادرسی را به دید جایگزین روش سنتی نمی‌نگرند (۲۶).

ورود فناوری اطلاعات به حوزه قضا باعث تحولات چشمگیر و سریعی شده است. اگر در دهه ۱۹۸۰ ICT را تنها در چند دادگاه و آن هم به صورت غریبه و مهمان می‌دیدیم در دهه ۱۹۹۰ این فناوری بسیار گسترش یافت و به یک عنصر مهم در فعالیت‌ها و رویه‌های قضایی تبدیل شد؛ اگرچه هنوز هم از تمام پتانسیل آن استفاده نمی‌شود. برای ارزیابی موفق بودن پروژه‌های الکترونیکی کردن، باید به عوامل مختلف نهادی و فرهنگی توجه کرد، که دامنه وسیعی از تجارب کشورهای مختلف را شامل می‌شود: از مصلحت‌گرایی در رویه‌های دادگاه‌های انگلستان و ولز تا اعتماد کامل به این سیستم‌ها در دادگاه‌های فنلاند و تا پیش‌نیازهای رسمی و سنگین در دادگاه‌های ایتالیا (۲۷).

البته باید به این نکته توجه نمود که رسانه‌های الکترونیکی مشابه رسانه‌های فیزیکی، فرصت‌های فراوانی برای ارتکاب به جنایت فراهم می‌کنند: مانند کلاهبرداری اینترنتی، دزدی هویت، پورنوگرافی اینترنتی کودکان. وقتی جنایتی اتفاق می‌افتد، یکی از طرفین دعوا ممکن است بخواهد تا به اطلاعات تولیدشده یا پخش‌شده یا ذخیره‌شده در دستگاه‌های الکترونیک مانند ایمیل‌ها، پیامک‌ها یا ترافیک دیتا استناد کند. بنابراین داده‌های الکترونیک معمولاً با اثبات مجرم بودن یا بی‌گناه بودن افراد مرتبط است. این اطلاعات و شواهد الکترونیکی باید از نظر قانون قابل استفاده و محکمه‌پسند باشند. به هر حال دادگاه‌ها در سراسر جهان با این پرسش مواجه‌اند که آیا شواهد الکترونیکی که در روند رسیدگی ارائه می‌شوند قابل پذیرش هستند؟ این پرسش را باید در دو مرحله بررسی کرد؛ اول اینکه آیا این شواهد دلایل واقعی هستند یا در حد دلایل نمی‌باشند. بنابراین ابتدا قابل پذیرش بودن

شواهد الکترونیکی تعیین می‌شود و اگر قابل پذیرش بود در مرحله بعد ارزش شواهد تعیین می‌گردد (۲۸)، البته چالش اساسی را که در این زمینه مطرح است بدین گونه می‌توان بیان نمود که آیا قوانین سنتی شواهد و مدارک که از رسانه‌های فیزیکی نشأت گرفته‌اند، می‌تواند به اندازه کافی محکمه‌پسند باشد (۲۹).

نویسنده‌ای دیگر نیز معتقد است اگرچه ممکن است در نگاه اول فریب بخوریم و اعتقاد پیدا کنیم که شواهد الکترونیکی قابل اطمینان و پذیرفتنی هستند، ولی محاکم جنایی با چالش‌های فراوانی در استفاده از آنها مواجه هستند (۳۰).

این تکنولوژی دو سویه است. از یک طرف، باید همه قضات را به تکنولوژی احکام و ابلاغ‌های الکترونیک آشنا کرد و از طرف دیگر، برای اینکه این سیستم موفق باشد، طرفین دعوا و نمایندگان آنها که خارج از سیستم ما هستند نیز باید توانایی استفاده از این سیستم را داشته باشند. گاهی استفاده از تکنولوژی با مقاومت‌های فراوان همراه بوده و مشکلات و کندی فراوانی نسبت به حالت کاغذی پیدا کرده است. گاهی کارکنان دادگاه‌ها در استفاده از این فناوری‌ها با مشکلات پیچیده‌ای مواجه می‌شوند که ورای توان آنهاست و برای حل مشکل باید ابتدا کارها و وظایف را ساده‌سازی کرد (۳۱).

این نکته شایان توجه می‌باشد که علاوه بر دادرسی به صورت الکترونیک، در مرحله اجرای رأی نیز در اکثر سیستم‌های حقوقی به سمت الکترونیکی کردن اجرای حکم پیش رفته‌اند. به‌طور کلی اساس و مبنای نظارت الکترونیکی به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد در سال ۱۹۶۴ میلادی رالف شوپتز گابل محقق آمریکایی این سیستم عملکرد را در دانشگاه هاروارد برای نخستین مرتبه ابداع نمود. نظارت الکترونیکی در آغاز نسبت به اطفال بزهکار به کار گرفته شد. نحوه عملکرد آن به گونه‌ای بود، که مناطق جغرافیایی مورد جابجایی تردد اطفال به واسطه دستگاه‌های تکرارکننده رصد و کنترل می‌شدند که در این سیستم، هر شخص یک دستگاه یک کیلویی ردیابی را می‌پوشد که قادر به ردیابی تا ۴۰۰ متر دورتر از دستگاه‌های سیگنال‌دهی بود (۳۲).

در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی نظارت الکترونیک به سرعت در تمام آمریکا گسترش یافت. آمریکا جزو نخستین کشورهایی بود که از تکنولوژی تجهیزات GPS استفاده کرد. سپس در دیگر کشورها جایگزین ردیابی از طریق فرکانس‌های رادیویی شده است (۳۳). در نظام کیفری آمریکا، به کار بستن و صدور نهاد نظارت الکترونیکی شامل انواع مختلفی از مجرمان از قبیل مصرف‌کنندگان مواد مخدر، اطفال و نوجوانان می‌شوند. بنابراین می‌توان دریافت که استفاده و اعمال حقوقی و فنی نظارت الکترونیکی به میزان خطر شخص محکوم بستگی دارد (۳۴). لذا کاملاً بدیهی است که نظام حقوقی کامن‌لا در زمینه دادرسی الکترونیک گام‌های بزرگی را برداشته است، البته این به معنی حذف کامل سیستم سنتی نیست.

نتیجه‌گیری

ضرورت استفاده از ابزارهای الکترونیکی در فرآیند دادرسی و ابلاغ از مسائل غیر قابل انکار می‌باشد. این ضرورت با توجه به شرایط فعلی جامعه و شیوع ویروس کرونا بیشتر احساس می‌گردد و دستگاه قضایی از این تهدید، به عنوان یک فرصت مناسب برای پیشبرد اهداف خود در زمینه دادرسی و ابلاغ الکترونیک استفاده نموده است. در زمینه ابلاغ الکترونیک پیشنهاد می‌گردد، در جهت تکمیل این تحول بزرگ، فرآیند مزبور برای ایرانیان خارج کشور و افراد مجهول‌المکان و فاقد حساب کاربری نیز طراحی شود. مسأله مهم‌تر که این مقاله در صدد بیان آن است اینکه: با بررسی نظام حقوقی کامن‌لا در آمریکا (با بررسی قاعده ۴) و انگلستان (قاعده ۶ قانون ۱۹۹۸) به نظر می‌رسد اصل اختیاری بودن در فرآیند ابلاغ الکترونیک حاکم است و دادگاهها از ابلاغ الکترونیک در صورت رضایت و همچنین در مواردی که از راههای سنتی ناامید می‌شوند، استفاده می‌کنند که این مسأله نشان‌دهنده این است که ابلاغ الکترونیک به موازات ابلاغ سنتی به کمک سیستم قضایی آمده است و رویکرد دادگاهها نباید در جهت حذف روش‌های سنتی باشد. در مسأله دادرسی الکترونیک در سیستم حقوقی ایران با توجه به پتانسیل‌های قانونی در قانون آیین دادرسی الکترونیک و مفاد لایحه، زمینه برای استفاده از این پتانسیل‌ها

وجود دارد، که نیاز به مجهز کردن دادگاهها با دستگاههای الکترونیک و به موازات آن، آموزش قضات و کادر قضایی در این راستا وجود دارد. در مجموع به نظر می‌رسد، نظام دادرسی الکترونیکی توانایی کنار زدن سیستم سنتی به صورت کامل و اساسی را ندارد، بلکه می‌بایست در کنار نظام مزبور گام بردارد و کارایی آن را توسعه و ارتقاء دهد. در همین راستا، پیشنهاد می‌گردد با عنایت به شرایط فعلی جامعه و لزوم استفاده بیشتر از دادرسی الکترونیک، دفاتر دادگاهها به تجهیزات الکترونیکی مجهز گردد تا بتوان گام‌های سریع‌تری را در زمینه دادرسی الکترونیکی برداشت.

References

1. Zarkalam S. Dadrasi Electronic Zarourat-Ha Elzamat Chalesh-Ha Amouzeh-Haye Hoghoughi. Majalehe Daneshgah Olomensani razavi 2012; 3: 50, 129, 131.
2. Mohseni H. Chalesh-Haye Eblagh Sonati Electronic Sabeghe va Zaban. Faslname Motale'at Hoghough Khososi 2017; 48: 321-348.
3. Eftekhari-Jahromi G, Elsan M. Aiine Dadrasi Madani 2. 1th. Tehran: Mizan Publication; 2017. p. 30-75.
4. Karimi A. Aiine Dadrasi Madani. 1th. Tehran: Majd Publication; 2007. p. 104, 107.
5. Bahrami B. Aiine Dadrasi Madani 1 and 2. 11th. Tehran: Negah bine publication; 2009. p. 95.
6. Esma'ili A, Pour-Ghahramani B. Chalesh-Haye Fararouye Dadrasi Electronic Dar Iran. Faslname Didgah-Haye Hoghough Ghazaii 2019; 87: p. 37.
7. Abhari H. Aiine dadrasi Madani 2 Jaryan Dadresi Az Aghaz Ta Payan. 1th. Mazandaran: Mazandaran University Publication; 2012. p. 411, 80, 16.
8. Mohseni H, Rezaii-Nejad H. Dadgostari Va Pishraft Fannavari Etela'at Va Ertebatat. Majalehe Motale'at Hoghoughi Daneshgah Shiraz 2012; 2-4: 117, 142.
9. <http://www.pacer.gov>. Review in: 2020/03/05.
10. <http://www.ncmd.uscourts.gov>. Review in: 2020/03/05.
11. <http://opencourt.us>. Review in: 2020/03/05.
12. Volonio L. Electronic Evidence and Computer Forensice Communication Of The Association For Information System. 1th. Milan: Technology Press; 2003. p. 12.
13. Safari M. Eblaghe Electronici. 1 th. Tehran; Mizan Publication; 2015. p. 86.
14. Ponte L. The Michigan Cyber Court A Bold Experiment In The Development. 1th. North Carolina: Virtual Courthouse Journal of Law & Technology Publication; 2002. Vol 4. p. 65.
15. www.dmlp.org. Review in: 2020/03/05.
16. Zadeh-Hossein-Olyaii Z, Ahmadi A. Dadrasi Electronic Dar Hoghough Iran Ahdaf Mabani Vizhegi-Ha. Faslname Tahghighate Hoghough Khosousi va Keyfari 2018; 35: 118.
17. Abdollah Shams. Aien Dadresi Madani 2. 7th. Tehran: Mizan publication; 2007. p. 24.
18. Madani SJD. Aiine Dadrasi Madani 2. 1th. Tehran: Daneshgah Melli Iran publication; 1979. p. 335.
19. Zera'at A. Qhanoun Aiine Dadrasi Madani Dar Nazme Konouni. 3th. Tehran: Khate Sevom publication; 2006. p. 217.
20. Farach F. The Electronic Court Room and The Paperless Trail. san diego: American bar association; 2006. p. 16.
21. Farrel H. Constructing The International Foundations Of E-commerce The EU-US Safe Harbor Arrangement, Journal Of International Organization; 2003. vol 57. p. 277-307.
22. Hill J. Corporate Criminal Liability In Australia An Evolving Corporate Governance Technique. Journal Of Business Law 2003; 1: 34.
23. Hashemi SR, Yousefi Y. Baresi Ta'sir Mekanizeh Shodan System Ghazaii Bar Rezayat Shoghlie Karkonan va Rezayat-Mandi Arbabrojou' Dar Dadgostari Kol Ostan Kermanshah. Majalehe Hoghoughi Dadgostari 2015; 92: p. 193, 211.
24. Mehrafshan A. Residegi Be Eteham Az Tarigh Video Conference. Majalehe Motale'at Hoghoughi Daneshgah Shiraz 2014; 6: 168.
25. www.attorneygeneral.jus.gov.on.ca/English/aboat/artcl/csd-courts.php. Review in: 2020/03/05
26. Kawano M. Electronic Technology and Civil Procedure Applicability Of Electronic Technology In The Course Of Civil Procedure. lecture 2010 IAPL conference; 1: 3.
27. Velicogna M, Ng GY. Legitimacy and Internet In The Judiciary A Lesson From The Italian Courts' Websites Experience. International Journal Of Law and Information Technology 2006; 14: 145.
28. Watney M. Admissibility Of Electronic Evidence In Criminal Proceeding An Outline of the South Africa Legal Position. Journal of Informetion law and Technology 2009; 1: 1.
29. Galves C, Galves C. Ensuring The Admissibility Of Electronic Forensic Evidence and Enhancing Its Probative Value at Trial American Bar Association Criminal Justice Magazine 2007; 1: 9. (available at www.abanet.org/crimjust/cjimag/19-1/electronic.html-9)
30. Solovy JS, Byman RL. Don't Let Your E-evidence Get Trashed. legal Technology 2007; 1: 1.
31. Febri M. Judicial Electronic Data Interchange In Europe Applications Policies and Trends. 1th. Italy: university of bologna research centre for judicial studies; 2003. p. 16.
32. Burrell WD, Gable RS. From B.F.Skinner to Spiderman to Martha Stewart The Past-Present and Future Of Electronic Monitoring Of Offender Probation parole 2008; 46: 101.
33. Nellis M, Beyens K, Kaminski D. Electronically Punishment International and Critical Perspective. London / New York: Routledge Press; 2013. p. 25.
34. Renzema M, Mayo-Wilson E. Can Electronic Monitoring Reduce Crime For Moderate To High Risk Offenders. J Exp Criminal 2005; 2: 215.